

# اهداف ، خواست ها ، اصول و مبانی فکری

## سازمان سوسیالیست های ایران

اهداف ، خواست ها ، اصول و مبانی فکری سازمان سوسیالیست های ایران از زمان تشکیل کنگره موسس (سی تیر ۱۳۶۳) تا کنون سه بار در کنگره های سازمان مورد بررسی و تجدید نظر قرار گرفته است .

اسناد مندرج در این جزوه که از ۹ بخش تشکیل شده است ، مصوبه چهارمین کنگره سازمان می باشد که برای اولین بار در ۲۹ اسفند ماه ۱۳۷۱ انتشار خارجی پیدا کرد .  
به چگونگی تدوین ، اصلاح و تغییر اصول و اهداف در بخش " تاریخچه سازمان " بطور مختصر اشاره رفته است .

## مقدمه

در تیرماه سال ۱۳۶۳ ( سی تیر ) سازمان سوسیالیست های ایران زندگی سیاسی خود را با این امید آغاز کرد که بتواند با توجه به توان خود نقشی هر چند کوچک اما در خور توجه در زمینه تحول اندیشه و عمل نیروهای سیاسی منتسب به طیف چپ ایران ایفا کند .  
بموازات انجام این وظیفه نه چندان سهل ، امید ما این بود که بتوانیم بطور کلی در ورطه تحولات سیاسی - اجتماعی ایران بسهم خود شرکت کنیم و با طرح مشکلات و ناهنجاریهای اجتماعی و بررسی و جستن راه حلهای ممکن و مناسب برای برطرف کردن آنها ارتباط خود را با سایر نیروهای سیاسی متعلق به طیف های فکری و عقیدتی و مسلکی فشرده تر و بارورتر نماییم .

با بررسی تاریخچه زندگی سیاسی سازمان ، از دیدگاه کنونی ، با جرات می توان گفت که اهداف فوق بطور قابل توجه ای متحقق گردیده اند . جنبش چپ سنتی در ایران پس از شکست اجتماعی و سرکوب سیاسی بتدریج و عاقبت با شکست فکری و ایدئولوژیک نیز روبرو گردید .

با فروپاشی سوسیالیسم دیوان سالار و کمونیسم خودکامه در صحنه سیاسی تاریخ معاصر ، اولین هدف فردی و گروهی ما یعنی ترویج تفکر انسانگرایی و پلورالیستی و دمکراتیک در چارچوب اندیشه چپ ایران با زمینه های مناسبتری روبرو شد . هر چند در آغاز حتی برای ما که هیچگاه توبره کهنه سوسیالیسم روسی را بدوش نکشیده بودیم ، اما از وسعت این ایدئولوژی که هفتاد سال آژگار با هزاران پا در ساختار فکری فرد فرد عناصر چپ رسوخ داشته است ، نیز در امان نبوده ایم ، قرار دادن ارزشهای دیگری چون دمکراسی ، پلورالیسم ، آزادی و احترام به حقوق بشر در کنار عدالت اجتماعی بعنوان ارزشهای برابر و غیر قابل تفکیک در مرکز ثقل فعالیت سیاسی و اجتماعی ، قدمی نوین بود . تجربه نشان داد که این گام ضروری بحکم تاریخ صحت داشت .

در سال ۱۳۶۳ ، جامعه ایران در یکی از سیاهترین مراحل زندگی خود بسر می برد . جنگ خانمانسوز با عراق به همراه تشدید سرکوب حقوق بشر در ایران و سیل آوارگان و پناهندگان ایرانی بسوی ممالک ناشناخته ، محیطی مملو از اندوه و نفرت و اما در عین حال ناتوانی و ناامیدی ایجاد کرده بود .

تبدیل و تحول یک مرحله از تاریخ بشری در عرض چهار سال گذشته بمرحله ای تازه و پرامید ، در عین حال ، اما مرموز و ناشناخته امروز ، بروی جامعه ایران نیز ناخود آگاه روزنه های نوینی گشوده است .

با پایان " جنگ سرد " میان غرب و شرق ، آنهم بخاطر فروپاشی مفتضحانه مناسبات اقتصادی و سیاسی بلوک شرق از درون ، امید شکل گیری جهانی عاری از جنگ و اختناق بین بخشهای بزرگی از نیروهای سیاسی جهان بوجود آمد . این چشم انداز با شعله ور شدن جنگهای داخلی در کشورهای باصطلاح سوسیالیستی سابق و بالا گرفتن بحران منطقه خلیج فارس و خاورمیانه که منجر به جنگ خونین " متفقین " بر علیه عراق و رژیم تجاوزگر بعثی این کشور شد ، بزودی به دوردستان منتقل گردید . این مرحله جدید در روابط بین المللی مابین ملل جهان می تواند تحت شرایط خاصی بمراتب بیشتر از پیش نوع انسان و محیط زیست وی را مورد تهدید قرار دهد .

" نظم نوین " آنطور که سیاستمداران غرب از آن نام می برند ، اگر منجر به همکاری و همبستگی کشورهای پیشرفته با جهان عقب مانده نگردد و فاصله و اختلاف فاحش دو قطب شمال و جنوب روز بروز کاهش نیابد ، تنها شعار فریبنده ایست که در پس آن نوع جدیدی از استعمار ، سرکردگی و هژمونی نهفته می باشد .

آزادی ، دمکراسی و رفاه اجتماعی نمی باید تنها متعلق به کشورهای معدودی باشد . این ارزشهای جهانشمول که صحت غیر قابل انکار خود را باثبات رسانیده ان ، میباید با صبر ، و هوشمندی کافی با زندگی و سنت های گوناگون و بومی یک ممالک جهان تلفیق گردد ، تا بدین ترتیب همسرنوشتی نوع انسان در آینده تاریخ صرفنظر از اختلافات ملی جغرافیائی ، نژادی ، مذهبی ، مسلکی و جنسی آنان بیش از پیش تبلور یابد .

بدون تکیه بر دست آوردهای تاریخی و جهانشمول در زمینه های فلسفه ، فرهنگ ، سیاست و اقتصاد مدرن و جامعه ای نوین با پشتوانه محکم در زمینه آزادی ، دمکراسی و رفاه اجتماعی در ایران متصور شد .

ما سوسیالیستهای ایران در تقسیم بندی نیروهای سیاسی ایران به طیف های مختلف ، خود را بخشی از طیف ملیون مصدقی می دانیم . ما به خلیل ملکی ارج می نهیم ، چونکه وی برای اولین بار در ایران به طرح سوسیالیسم و در این رابطه انترناسیونالیسم از دید سوسیال دمکراسی و دفاع از منافع ملی و تمامیت ارضی ایران اقدام نمود ، چیزی که به " نیروی سوم " در ایران معروف شد . خلیل ملکی در آن مقطع تاریخی کوشش نمود تا جنبش سوسیال دمکراسی ایران را بخشی از نهضت ملی ایران به رهبری دکتر محمد مصدق محسوب دارد .

اسنادی که در صفحات بعد مندرج شده است ، نتیجه تحقیق ، تدقیق و تصحیح نظری و فکری و فعالیت مشترک اعضای سازمان سوسیالیستهای ایران در طول سالها مبارزه سیاسی مشترک می باشد . علاوه بر این بی گمان تجارب گوناگون کوتاه و یا دراز مدت ما در دوران قبل از تاسیس این سازمان نیز در تبلور این اسناد بی تاثیر نبوده است . این نوشته بدون اینکه ادعای کاملیت داشته باشد ، بیش از هر چیز تلنگری کوچک برای تعمق نسبت به سرنوشت ملت و سرزمینی است که همه ما صرفنظر از علائق و وابستگی های گوناگون مسلکی ، مذهبی و ... به آن عشق می ورزیم .

زنده باد آزادی و دمکراسی  
زنده باد سوسیالیسم  
زنده باد ایران

## الف - اهداف

۱ - ایجاد دولت رفاه اجتماعی . این دولت می بایستی ضامن آزادی ، دمکراسی و همبستگی و تعاون اجتماعی در تمامی زمینه های اقتصادی ، سیاسی و فرهنگی باشد و اختلافات و تناقضات اجتماعی را از طریق مسالمت آمیز و سیاسی حل و فصل نماید .

۲ - تحقق امکانات توسعه اقتصادی از طریق بوجود آوردن زمینه رشد عادلانه و هماهنگ اشکال گوناگون اقتصادی اعم از خصوصی ، دولتی و تعاونی . حمایت قانونی و امنیت اجتماعی برای سرمایه های ملی و داخلی جهت شکوفایی اقتصاد ملی و قرار دادن اصل همبستگی ملی و عدالت در روند تولید ثروت اجتماعی .

۳ - ایجاد جمهوری ایران . ایجاد یک دولت مرکزی مستحکم و دمکراتیک با پشتوانه

همبستگی استانها . ایجاد و ابقای مجالس استانها و تحقق واقعی مجلس شورایی ملی .

۴ - دفاع از حاکمیت ملی و استقلال و تمامیت ارضی ایران و مخالفت با هر نوع نظرات و خواست های تجزیه طلبانه و وابستگی به بیگانه.

۵ - اقوام آذری ، بلوچ ، ترکمن ، تپور ، خوز ، طالش ، عرب ، فارس ، کرد ، گیل ، لر و ... و اقلیت های قومی ، مذهبی از قبیل ارمنه ، آسوری ، یهودی ، زردشتی و ... ساکن کشور ایران ، جمعا ملت ایران را ، تشکیل می دهند . این اقوام در طول هزاران سال تاریخ و سرنوشت مشترک با یک دیگر ، بخاطر پایداری و بقای ایران در مقابل تجاوزات و تهاجمات تاخت و تازهای مکرر نیروهای بیگانه ، متحداً پایمردی و استقامت از خود بخرج داده اند . دستاوردها و میراث تاریخی فرهنگی ، آداب و رسوم و جشن های ملی ایران و ... نتیجه کوشش و فعالیت متقابل همه این اقوام بطور مشترک می باشد .  
- مقابله همه اقوام ایرانی با تجاوز اخیر عراق به وطنمان ایران ، بهترین نمونه بارز این همبستگی ملی است .

سرزمینهای آذربایجان ، گیلان ، مازندران ، گرگان ، خراسان ، سیستان ، کرمان ، بلوچستان ، فارس ، خوزستان ، لرستان ، کردستان ، جزایر و کرانه های ساحلی شمال خلیج فارس ... همیشه اجزاء تشکیل دهنده میهنمان ایران بوده اند - مگر در زمانیکه تحت اشغال نیروهای خارجی قرار گرفته باشند - ، اهالی این مناطق صرفنظر از وابستگی قومی و مذهبی همیسه خود را ایرانی می دانسته اند . ایران زمین ، هیچگاه در طول تاریخ خود حکومت قومی به خود ندیده است .

گسترش دموکراسی در ایران می طلبد تا تمام اتباع ایرانی از حق تعیین سرنوشت برخوردار بوده و بتواند حقوق اقتصادی ، فرهنگی و سیاسی خود را از طریق انتخابات نمایندگان واقعی خویش نه تنها برای مجلس شورایی ملی همچنین برای اداره استانها ، شهرستانها ، بخش ها و روستاها آنها با توجه به مصالح ایران و احترام به تمامیت ارضی ایران کسب نمایند .  
بر اساس تعمیق اختیارات محلی و استانی باید در نظر داشت که اداره و کنترل بعضی از مسایل کشوری باید فقط جزو وظایف حکومت مرکزی باشد ؛ از جمله تعیین سیاست خارجی ، ارتش ، چاپ پول ، گمرکات و ... و یا بعضی از مسائل احتیاج به توافق مشترک حکومت مرکزی و حکومت محلی دارد ؛ مثلاً امور آموزش و پرورش ، بهداشت . اداره و کنترل تمام معادن و ذخائر زیر زمینی از جمله نفت و گاز در سراسر ایران جزء وظائف حکومت مرکزی میباشد ؛ درآمد این می باید در خدمت آبادانی و صنعتی کردن تمام استانهای کشور و بهزیستی و رفاه اجتماعی اتباع ایرانی بمصرف برسد .

۶ - در هر استانی باید در کنار زبان رسمی ایران - زبان فارسی - ، زبان ساکنین آن استان نیز ، اگر زبان فارسی نباشد ، در مدارس تدریس شود .

۷ - انتخاب و عزل هیئت دولت باید جزو وظائف و حقوق مجلس شورایی ملی باشد . همچنین انتخاب و عزل استاندار ، شهردار ، بخش دار و ده دار و حقوق و وظائف مجلس استان و انجمن های مربوطه باشد .

۸ - هر یک از بندهای قانون اساسی از جمله نظام حکومتی را باید بتوان با دوسوم ( ۲/۳ ) آرای مجلس قانونگذاری ( مجلسی که بخاطر تغییرات در قانون اساسی تشکیل می شود ) تغییر داد ، بشرط اینکه این تغییرات در جهت خدشه دار کردن حرمت انسانی ، حقوق بشر و روابط دموکراسی و نظام مردمسالاری نباشد .

- ۹ - الغاء کلیه نابرابری های قانونی و کوشش در جهت بر داشتن موانع تاریخی توسعه در زمینه های اقتصادی ، سیاسی و فرهنگی مابین شهرها و روستاهای ایران .
- ۱۰ - ایجاد ایرانی که در جهت رشد و شکوفایی اقتصادی در زمینه کشاورزی و صنعت با توجه به مصالح انسانی و محیط زیست گام بردارد .
- ۱۱ - حفظ محیط زیست و سایر منابع ثروت طبیعی . مبارزه با هرگونه آلودگی ، تخریب و استنثار آنها و برطرف کردن ضایعاتی که بر این زمینه ها وارد گردیده است .
- ۱۲ - تضمین آزادی بیان ، عقاید و نظرات ، مذاهب ، مطبوعات ، آموزش و پرورش ، انتخاب حرفه و شغل ، مسافرت و مهاجرت ، سازمانها ، تشکلات ، دستجات ، سندیکا و اجتماعات ، آزادی تظاهرات و اعتصابات برای تمامی شهروندان ایران زمین .
- ۱۳ - وسائل ارتباط جمعی نباید تحت انحصار دولت باشند ، بلکه قوانین مربوط باید طوری تهیه و تنظیم گردند که خبرنگاران و مفسرین بتوانند بطور مستقل ، آزاد و بیطرفانه به پخش خبر و تفسیر عملکردها ، سیاستها و اتفاقات بپردازند . برای نظارت بر رسانه های خبری ( رادیو و تلویزیون ) باید کمیسیونی از نمایندگان احزاب ( مجلس ) ، سندیکاها ، مذاهب ، دولت و استانها تشکیل گردد .
- ۱۴ - کارگران و کارمندان و بطور کلی مزد بگیران باید بطور قانونی از حق عضویت در سندیکاهای مستقل خویش برخوردار بوده و در راستای دموکراتیزه کردن روند اقتصاد دارای حق شرکت و مشورت در امور تولید ، اشتغال ، دستمزد و سهام شدن در سود موسسه خود باشند .
- ۱۵ - احترام به حرمت انسانی و دفاع از حقوق بشر نه تنها در ایران بلکه در سراسر جهان . پاسداری از اعلامیه جهانی حقوق بشر به عنوان يك سند جهانشمول .
- ۱۶ - هیچ فردی نباید بخاطر نظرات سیاسی ، اعتقادات مذهبی و وابستگی سازمانی و حزبی تحت پیگرد قرار گیرد .
- ۱۷ - نفي هرگونه شکنجه جسمی و روانی و لغو قانون اعدام .
- ۱۸ - مبارزه با کلیه روابطی که موجب نابرابری حقوق زنان نسبت به مردان می گردد . تضمین برابری حقوق زنان با مردان در تمامی شئون اجتماعی و کوشش در راستای از میان برداشتن تمام موانع اجتماعی و فرهنگی در این زمینه .
- ۱۹ - برابری همه اتباع ایرانی در مقابل قانون بدون توجه به موقعیت اجتماعی ، سیاسی ، اقتصادی ، خانوادگی ، جنسیت ، مذهب ، زبان و یا نژاد .
- ۲۰ - ایجاد دستگاه قضائیه دموکراتیک و مردمی و تضمین استقلال دادگاهها در مقابل دولت و ایدئولوژیهای مذهبی و غیر مذهبی و تحقق واقعی تفکیک سه قوه قانونگذاری ، اجرائی و قضائی از یکدیگر .

۲۱- هر شهروند ایرانی که نسبت به وی و یا یکی از افراد خانواده اش از سوی حکومت های خودکامه و استبدادی نیم قرن اخیر ( دوران رژیم پهلوی و جمهوری اسلامی ) در ایران ناعدالتی ، صدمه و خسارت مادی ، معنوی و جانی وارد گردیده است . باید بر طبق قانون بتوانند توسط دستگاههای قضائی کشور خواستار رسیدگی به این امر شده و تقاضای غرامت و جبران آنها را نمایند .

۲۲- انحلال کلیه نهادهای نظامی و غیر نظامی سرکوبگر که هدفشان تنها حفظ پایه های نظام های استبدادی از طریق جاسوسی و خبرچینی ، پیگرد ، دستگیری و حبس و سرانجام نابودی مخالفین سیاسی و یا اعتراضات مردمی می باشد .

۲۳- منع اکید تفتیش عقاید و مراسلات و مکالمات تلفنی .

۲۴- ایجاد نهادهای ارتش و پلیس که تنها نسبت به قانون اساسی دمکراتیک ، مجلس ، حکومت دمکراتیک و ملت مسئول می باشد . وظیفه ارتش ایران می باید تنها پاساسداری و حراست از مرزهای جغرافیائی کشور باشد .

۲۵- برقراری روابط صلح آمیز و دوستانه با تمامی کشورهای همجوار بر پایه عقد قراردادهای متقابل عدم تعرض و عدم دخالت در امور داخلی یکدیگر . کوشش مشترک در راه ایجاد صلح ، آزادی ، دمکراسی و عدالت برای تمامی خلق های ساکن منطقه خلیج فارس و فراتر از آن تمامی خلقهای منطقه خاور میانه .

۲۶- تامین صلح بین المللی بوسیله نفي و نابودی تسلیحات اتمی ، شیمیائی و بیولوژیك و ... و غیر نظامی کردن جهان .

۲۷- هر شهروند ایرانی حق دارد از انجام خدمت سربازی خود داری کند ، اما در مقابل موظف است در بخش خدمات اجتماعی انجام وظیفه نماید .

۲۸- پاسداری از فرهنگ و ادب و سنن ملی ایران زمین در تمامی بازتابهای قومی و جغرافیائی آن و تضمین ترویج آزاد آن ها .

۲۹- نگهداری و مرمت تمامی آثار و ابنیه باستانی ، حفظ میراث های تاریخی کهن و جلوگیری از تخریب و یا دستبرد به آنها .

۳۰- جدائی دین از دولت . تضمین استقلال دستگاههای دولتی از تاثیر و نفوذ هرگونه ایدئولوژی و مکتب . خواست جدائی دین از دولت بمعنی دشمنی و خصومت با هیچ يك از ادیان و مذاهب نبوده بلکه با احترام به عقاید و باورهای مذهبی هر يك از شهروندان ایرانی و همچنین احترام به تفاهم ملی باید قوانین کشور بر پایه مدنیت و اعلامیه جهانی حقوق بشر تنظیم شوند . انهم بنحوی که هیچ شهروند ایرانی نتواند تحت لوای مذهب و یا هر آئین و ایدئولوژی دیگر از حقوق ویژه و یا مصونیت سیاسی و قانونی برخوردار گردد .

۳۱- دفاع از همبستگی و همزیستی صلح آمیز خلقها و ملل جهان و نفي هرگونه سلطه جوئی ( امپریالیسم ) ، استعمار ( کلنیالیسم ) و استعمار نو ، تبعیض نژادی ، مذهبی و یا عقیدتی .

۳۲- پذیرش و حمایت از پناهندگان و آوارگان که به دلایل سیاسی، عقیدتی و مذهبی مجبور به ترک میهن خویش گردیده اند.

۳۳- حقوق ذیل برای شهروندان ایرانی در برابر دولت باید تضمین گردد.

- ۱- حق اشتغال.
- ۲- حق بهداشت و درمان.
- ۳- حق آموزش و پرورش و تربیت بدنی.
- ۴- حق داشتن مسکن مبتنی بر حرمت انسانی.
- ۵- حمایت از کودکان و ممنوعیت اشتغال کودکان کمتر از پانزده سال.
- ۶- حمایت از مادران و زنان باردار.
- ۷- تضمین امنیت اقتصادی در هنگام بیکاری، بیماری، کهولت و معلولیت.
- ۸- حق محاکمه و دفاع در دادگاه‌های صلاحیت دار بر پایه قوانین مدنی در صورت اتهام به ارتکاب جرم.

## ب - ایجاد حزب سوسیالیست ایران

کوشش در جهت اشتراک و همکاری نیروهای "سوسیالیست"، "سوسیالیست دمکرات" و "سوسیال دمکرات" ایرانی در چهار چوب حزب سوسیالیست ایران یکی از اجزای ضروری در روند شکوفائی بدیل دمکراتیک و ضامن ایرانی آزاد و دمکراتیک می باشد. تفرقه این نیروها تنها بنفع نیروهای ضد دمکرات است. تاسیس حزب سوسیالیست ایران از طریق همفکری و هماهنگی تمامی نیروهای سوسیالیسی که دمکراسی، پلورالیسم سیاسی، جناح بندی حزبی، حقوق دمکراتیک دیگران و تمامیت ارضی ایران را برسمیت می شناسند، عملی میگردد.

## پ - چگونگی تغییر شرایط سیاسی حاکم بر ایران و شرایط ایجاد "جبهه"

با توجه به ساختار کنونی جامعه ایران، تغییر شرایط سیاسی حاکم بر این سرزمین آنهنگام می تواند موجب رفاه، شکوفائی و تعالی اجتماعی گردد که منجر به ایجاد روابط و مناسبات دمکراتیک و تحقق آزادی، پلورالیسم اجتماعی و سیاسی شود. تغییر وضع سیاسی حاکم بر ایران بدست نیروهای ضد دمکراتیک و انحصار طلب که تنها هدفشان کسب قدرت سیاسی و جانشین کردن یک نظام مستبد دیگر میباشد، در نهایت از پاسخگوئی به مشکلات و معضلات اجتماعی عاجز بوده و میبایستی از سوی همه نیروهای دمکرات و آزادیخواه مردود شناخته شده طرفداران آن طرد و منزوی گردند. برای تبدیل شدن به یک بدیل سیاسی جدی در برابر حکومت استبدادی کنونی و جلوگیری کردن از قدرت گرفتن بدیل‌های ضد دمکراتیک، همکاری و ائتلاف همه نیروهای جمهوریخواه، ملی، دمکرات و

مترقي طرفدار جامعه پلورال که شامل نیروهای دمکرات مذهبی و غیر مذهبی تا سوسیالیست های دمکرات می شود ، از طریق ایجادیک جبهه وسیع که استقلال تشکیلاتی و حیات سازمانها و نیروهای تشکیل دهنده آنرا مور تهدید قرار نمی دهد ، ضرورت عاجل دارد .

بنظر ما سوسیالیست ها ، معیار " ملی " بر پایه طرفداری از نظام سیاسی مشخص و ایدئولوژی ناسیونالیستی و یا عضویت در یک سازمان سیاسی مخصوص نبوده ، بلکه تمام آن عناصر و نیروهائیکه از منافع ملی مردم ایران ، استقلال ایران ، تمامیت ارضی ایران و حق حاکمیت ملی ایران در مقابل منافع بیگانه دفاع نمایند و همچنین علیه تجزیه طلبی و نیروهای وابسته به بیگانه مبارزه می کنند جزو نیروهای ملی قرار دارند . **ما دمکرات** بودن را در مخالفت با رژیم غیر دمکراتیک و مستبد حاکم خلاصه نکرده بلکه آن عناصر و نیروهایی را دمکرات می دانیم که طرفدار جامعه پلورالیسی و سیستم پارلمانتاریستی بوده و حق حاکمیت مردم ایران را قبول داشته و از حق دگر اندیش دفاع می نمایند و نیروهای دگر اندیش را نه بعنوان دشمن بلکه بعنوان مخالف و رقیب سیاسی خود تلقی کنند و در مبارزه سیاسی از توسل به ترور و قهر دوری جویند .

**نیروهای " ملی دمکرات "** بخاطر طرفداریشان از نظام حکومتی ( پادشاهی و یا جمهوری ) به دو جناح تقسیم شده اند . ما سوسیالیست ها در مرحله کنونی در پی شکل جمهوریخواه آن می باشیم .

### مبانی ائتلاف نیروهای سیاسی فوق را می توان چنین بر شمرد:

- ۱ - قبول جمهوری پارلمانی و حکومت قانونی و نفي دولت ایدئولوژیک در ایران .
- ۲ - قبول آزادی و دمکراسی و تحقق جامعه پلورالیستی در ایران .
- ۳ - قبول حق حاکمیت ملی .
- ۴ - دفاع از استقلال و نفي هرگونه وابستگی به بیگانه .
- ۵ - دفاع از تمامیت ارضی ایران و حل مسئله ملی .
- ۶ - قبول جدائی دین از دولت .
- ۷ - دفاع از دولت رفاه اجتماعی .
- ۸ - لغو قانون اعدام ، نفي و ممنوعیت هرگونه شکنجه و دوری جستن از توسل به ترور و قهر در مبارزه سیاسی .

درصدر فعالیت این "**جبهه**" باید دمکراتیزه کردن جامعه و تحقق حقوق بشر قرار گیرد . بخاطر پاسخ به این خواست مهم باید بمبارزه بر محور شعار " انتخابات آزاد و دمکراتیک " که فعالیت آزاد سیاسی و حق شرکت تمام احزاب و افراد و سازمانهای سیاسی را با خود بهمراه دارد ، دامن زد .

### **ت - چگونگی روابط با دیگر نیروهای سیاسی**

روابط سازمان سوسیالیست های ایران با دیگر نیروهای سیاسی ایران بر پایه اهداف تاریخی و سیاسی ، خط و مش و برنامه و همچنین عملکرد این تشکیلات تعیین می شود . بدین ترتیب روابط سازمان سوسیالیست های ایران با دیگر نیروهای سیاسی ایران بر چهار پایه استوار



است :

۱- **اتحاد** - سازمان سوسیالیست های ایران تنها با نیروهائیکه به ایده سوسیالیسم باور دارند و بهروزی نوع انسان را در تاریخ آتی جهان از طریق از میان برداشتن اختلافات و اجهافات اقتصادی ، اجتماعی ، سیاسی ، فرهنگی ، نژادی ... ارز یابی می کنند ، می تواند اتحاد سیاسی نماید . ( نگاه کنید به بخش ب ) .

۲- **ائتلاف** - سازمان سو سیالیست های ایران تنها با نیروهائیکه در راستای دمکراسی ، آزادی ، پلورالیسم سیاسی و نظام جمهوری در ایران گام بر می دارند ، می تواند برای ایجاد یک "**جبهه**" کوشش نماید . ( نگاه کنید به بخش پ ) .

۳- **اتحاد عمل** - سازمان سوسیالیست های ایران با تمام جریانات سیاسی که با آنها بدلائل گوناگون نظری و عقیدتی نمی تواند به اتحاد و یا ائتلاف دست یابد ، حاضر به برداشتن گامهای مشترک از طریق " اتحاد عمل " های اجتماعی می باشد . بطور مثال برای " آزادی و دفاع از زندانیان سیاسی " ، " مبارزه علیه جنگ و بخاطر صلح " ، " مبارزه برای نفي و نابودی سلاحهای اتمی ، بیولوژیک ، شیمیائی و غیر نظامی کردن جهان " ، " مبارزه برای حفظ محیط زیست " و ... می توان به اتحاد عمل های اجتماعی مابین نیروهای سیاسی متضاد و نامتجانس دست زد . بشرط اینکه در باره مسئله مورد نظر برداشت ها و تفسیر های یکسان داشت .

۴- **دیاکوگ و گفتگوی اجتماعی** - سازمان سوسیالیست های ایران بر این باور است که ایجاد یک جو سالم و آزاد و رشد فرهنگ دمکراسی و پلورالیسم بدون دیاکوگ و گفتگوی مستمر نیروهای متضاد و ناهماهنگ اجتماعی میسر نیست . از این رو برای آشنا شدن با نظرات و برداشتهای سیاسی دیگر اندیشان و کشف انحرافات و اشتباهات متقابل ضرورت دارد که نیروهای سیاسی ایران صرفنظر از وابستگیهای گروهی و عقیدتی خود ، در رابطه با مسائل اساسی محوری کل جامعه از طرق گوناگون به مرآوده و گفتگو بپردازند .

**همزیستی مسالمت آمیز نیروهای متضاد سیاسی در ایران** ، در گروی پذیرفتن یکسری از معیارها و ضوابط اجتماعی غیر قابل انکار و جهانشمول می باشد . بنابراین ضرورت دارد تا نیروهای متضاد سیاسی برای روشن کردن این معیارها و ضوابط اجتماعی سیاسی با یکدیگر به بحث و تبادل نظر بپردازند .

به اعتقاد سازمان سوسیالیستهای ایران این ضوابط عبارتند از :

- الف - اعتقاد به منشور جهانی حقوق بشر و آزادیهای برشمرده در آن .
- ب - اعتقاد به یک جامعه پلورالیستی و نظام پارلمانتاریستی در ایران .
- پ - دفاع از تمامیت ارضی ایران و حاکمیت ملی .
- ت - نفي هرگونه خشونت و قهر در مبارزه سیاسی .

دیاکوگ و گفتگو همچنین می تواند سبب شود تا بین فعالیتهای سیاسی نیروهای متضاد که جدا از هم انجام می گیرند ، همسوئی و هماهنگی ایجاد گردد .

## ج - انتخابات آزاد و دمکراتیک

سازمان سوسیالیست های ایران از روز تاسیس خود برای تحقق آزادی ، دمکراسی و رفاه اجتماعی در ایران مبارزه کرده است .

ما معتقدیم که انتخابات آزاد و دمکراتیک میبایستی سر آغاز مرحله جدیدی از گسترش دمکراسی در ایران شود و به نهادی شدن این اصل اجتماعی بیانجامد .

هدف ما نه کسب بلاواسطه قدرت سیاسی است و نه جاده صاف کردن و یا نبردبان ترقی شدن برای رسیدن دیگران به این جایگاه است . چشم انداز ما جامعه ای است که با وجود تعلقات سنتی و بومی خویش و حفظ و نگهداری آنها ، درهای خود را بروی وزیدن نسیم های خوش دیگر نیز بگشاید و از تلفیق گنجینه های ملی و دستاوردهای مثبت بین المللی ، زمینه تعالی مردمانش را فراهم کند ، هدف ما ایجاد آن نهاد هائی است که بتواند از نضج و سر بر آوردن دوباره استبداد در این جامعه استبداد زده ممانعت بعمل آورد . هدف ما ایجاد حاکمیت ملت است تا حکومت سیاسی را از قبضه کردن قدرت باز دارد و گزینش دولتی است که بازتاب قدرت و اراده ملت باشد .

هدف ما ، ائتلاف و هماهنگی آن نیروهای سیاسی است که می توانند سنگری مستحکم برای دفاع از دمکراسی و آزادی در ایران شوند . طرح انتخابات آزاد و دمکراتیک شانس و امکان این همراهی ملی را می تواند فراهم کند .

در جامعه ای که نهاد های دمکراتیک از پایه های تتومند و تاریخی برخوردار اند ، پسوند دمکراتیک به انتخابات آزاد بی معنی است . قانون اساسی یک چنین جامعه ای حقوق و آزادیهای دمکراتیک را تضمین کرده است . گروههایی که این بنیاد و همبستگی اجتماعی را مورد تهدید قرار دهند و هدفشان تضعیف و بی ثباتی اجتماعی است ، با تکیه به این قانون و ابزارهای دمکراتیک مورد تحریم قرار می گیرند .

در ایران که اندیشه دمکراسی از قدمت و سنت ناچیزی برخوردار است و سنت دیکتاتوری ریشه های عمیقی دارد ، هدف هر انتخاباتی می بایستی پیدایش و تحکیم دمکراسی باشد . به یک چنین هدفی هنگامی می توان دست یافت که " انتخابات آزاد و دمکراتیک " را به مثابه یک مفهوم تفکیک ناپذیر مورد تبلیغ قرار داد . می بایستی از یک طرف روشن کرد که انتخاباتی که در یک جامعه غیر آزاد و استبدادی صورت مگیرد ، آزاد نبوده و منجر به تحقق دمکراسی نمی شود ، بلکه هدف تحکیم قدرت انحصاری است . از سوی دیگر اما ، انتخابات آزاد زمانی به دمکراسی ختم می شود که اکثریت قریب به اتفاق نیروهای سیاسی جامعه به مثابه نمایندگان گروههای اجتماعی گوناگون به اصل و بنیاد یک جامعه دمکراتیک اعتقاد داشته و احترام بگذارند . این به این معنی است که قبل از برگزاری انتخابات در یک جامعه استبداد زده می باید شرکت کنندگان در آن صرفنظر از علایق سیاسی ، مذهبی ، قومی و ... از قبل اعتقاد خود را به منشور جهانی حقوق بشر و ایجاد یک اجتماع پلورال ، نظام پارلمانتاریستی و نفی خشونت و قهر به مثابه ابزار مبارزه سیاسی بطور علنی اعلام دارند . بخاطر اینکه انتخابات آزاد در ایران مفهوم واقعی خود را بیابد ، میبایستی قبلاً برخی از پیش شرط های اجتماعی ، سیاسی و فرهنگی در ایران مهیا شده باشد .

- ۱ - بدون حمایت وسیع اقشار مردم از این خواست و آمادگی آنها برای مقاومت و مبارزه فعال و صلح آمیز تحقق این خواست میسر نیست .
- ۲ - بدون عقب نشینی هیئت حاکمه در ایران و آمادگی وی برای سپردن حق حاکمیت به ملت و نمایندگان آنان در محیطی عاری از خفقان ، ترور و پیگرد سیاسی خواست فوق به نتیجه

فعالیت‌انتخاباتی و امکان استفاده از تمام وسائل ارتباط جمعی ، سخن گفتن از "انتخابات آزاد" معنی ندارد نخواهد رسید.

۳ - بدون همزیستی مسالمت آمیز تمام نیروهای سیاسی ایران ، سر نوشت "انتخابات آزاد" نتیجه مثبت با خود بهمراه نخواهد داشت .

۴ - بدون شرکت وسیع نیروهای سیاسی ، صرف نظر از وابستگی مسلکی و گروهی آنها و تضمین آزادی فعالیت انتخاباتی و امکان استفاده از تمام وسائل ارتباط جمعی سخن گفتن از "انتخابات آزاد" معنی ندارد .

۵ - بدون در نظر گرفتن شکلی از انتخابات ، که از طریق آن همزیستی اجتماعی نیروهای سیاسی مختلف تضمین گردد و شرکت فعالانه آنها در ساختمان ایران آزاد و دمکراتیک تامین شود ، نمی توان به سر نوشت این انتخابات امیدوار بود .

سازمان سوسیالیست های ایران بر این نظر است که باید آن نوع شیوه انتخاباتی را اتخاذ کرد که بیشترین امکانات را در اختیار شهروندان ایرانی بخاطر اظهار نظر و تصمیم گیری در رابطه با سر نوشت جامعه قرار دهد. ما بهترین شکل پاسخ دادن به این امر مهم را چنین ارزیابی می کنیم که نصف نمایندگان مجلس شور ایملی ( مجالس محلی و شهری ) بطور مستقیم از سوی مردم انتخاب شوند. یعنی در هر حوزه انتخاباتی آن کاندیدائی که بیشترین رای را کسب کرده است ، بعنوان نماینده انتخاب می شود. گزینش نصف دیگر نمایندگان مجلس شور ایملی ( محلی و شهری ) بر **پایه " انتخابات نسبی "** می باشد . نمایندگان از طریق لیست احزاب ، سازمانها ، جمعیتها و ... انتخاب می شوند . حد نصاب آرائی که برای انتخاب هر نماینده از طریق " انتخابات نسبی " احتیاج میباشد ، بستگی به نسبت تعداد کل رای دهندگان در سراسر ایران ( استان ، شهر ) و تعداد نمایندگانی که می باید توسط " انتخابات نسبی " انتخاب شوند ، دارد .

در مرحله کنونی بخاطر پراکنده بودن نیروهای ، سیاسی ، بهترین و دمکراتیک ترین راه حد نصاب که اجازه دهد تا احزاب ، سازمانها ، جمعیتها و ... نماینده به مجلس اعزام دارند ، کسب بیشتر از یک درصد ( ۱ % ) کل آراء کشور در انتخابات می باشد .

۶ - بدون حمایت افکار عمومی جهان از آزادی و دمکراسی در ایران وسعت و برد جنبش آزادیخواهانه در ایران نمی تواند از محدوده های کوچک پا بیرون نهد .

۷ - بدون هماهنگی اپوزیسیون آزادیخواه و دمکرات ایران و آمادگی اینان برای شرکت فعال در مبارزات مردمی سر نوشت این شعار و درخواست اجتماعی نا معلوم خواهد بود .

۸ - **کمیسیون نظارت بر انتخابات** - برای کنترل انتخابات ، باید کمیسیون نظارت بر انتخابات با شرکت معتمدین محلی و نمایندگان گروهها ، احزاب و جمعیت های سیاسی تشکیل گردد . همچنین نظارت نمایندگان بیطرف بین المللی بخاطر نظارت بر چگونگی امر برگزاری انتخابات ضروری می باشد .

**طرح " انتخابات آزاد و دمکراتیک "** دارای بار مثبت اجتماعی است . هدف یک چنین انتخاباتی ، دمکراسی و ابقای آن در آینده یک جامعه می باشد . ایجاد یک چنین جامعه ای مستلزم وجود نیروهائی است که برای آنها کسب قدرت و از دست دادن آن نه بمثابه مرگ اجتماعی ،

بلکه بعنوان زندگی يك جامعه فعال و پیشرو معنی می دهد . در این جامعه وجود نیروهای سیاسی گوناگون که بطور مستقیم در سرنوشت اجتماعی شرکت فعال دارند و از طریق این انتخابات اگر نه بقدرت سیاسی ، بلکه حد اقل به نیروی کنترل کننده حاکمیت سیاسی تبدیل می گردند ، اجتناب نا پذیر است .

هدف از طرح "انتخابات آزاد" در يك جامعه که در آن سالها استبداد و نامردمی حاکم بوده است ، چیزی جز انتگراسیون ( ) تمامی نیروهای سیاسی و اجتماعی که می خواهند در يك "بیکره مشترك" ( ایران ) بر حسب يك قرارداد اجتماعی در کنار یکدیگر زندگی کنند و روابطی مابین را از طریق دمکراتیک و مبارزه سیاسی معین نمایند ، نیست . تا زمانیکه این پیش شرط در يك جامعه مهیا نشده باشد ، نمی توان به سرنوشت يك " انتخابات آزاد " امید وار بود . و از هم اکنون باید در این جهت فعالیت کرد .

## ج - درباره چگونگی روابط سازمان با نیروهای خارجی

ارگانهای مسئول سازمان میتوانند بخاطر تبلیغ مواضع و طرح اهداف و خواست های سازمان با نیروهای دمکرات و آزادیخواه و مترقی در جهان ، صرفنظر از ملیت آنها روابط سیاسی برقرار کنند و بخاطر تحقق اعلامیه جهانی حقوق بشر ، دمکراتیزه کردن جامعه ایران ، دفاع از صلح جهانی ، مسئله آوارگان و پناهندگان سیاسی ، حل مشکلات محیط زیست ، تحدید و تخفیف اختلافات شمال و جنوب و ... با تمام احزاب و سندیکاها و مراجع بین المللی همکاری نمایند .

رهبری سازمان موظف است از آن بخش تصمیمات سازمان ملل متحد که در خدمت صلح جهانی ، خلع سلاح ، حفظ محیط زیست ، حق حاکمیت ملت ها ، تحقق حقوق بشر ، حل مشکل آوارگان و ... باشد ، حمایت نماید . همچنین وظیفه دارد که به نابرابری حقوق ملت ها در سازمان ملل متحد که در اثر حق وتوی پنج کشور ( روسیه ، چین توده ای ، ایالات متحده آمریکا ، بریتانیا و فرانسه ) بوجود آمده است ، تکیه نموده و از هر فعالیت و مبارزه سیاسی دمکراتیک که در جهت لغو این حق ویژه ( وتو ) باشد ، پشتیبانی نماید .

## ج - مبانی تشکیلاتی

- سازمان سوسیالیستهای ایران بر مبنای دمکراسی بنا گردیده است .
- مراجع تشکیلاتی از طریق انتخابات و از پائین به بالا تعیین میگردند .
- بالاترین و بزرگترین مرجع تشکیلاتی کنگره سازمان است .
- در فاصله میان کنگره ها ، شورای عالی سازمان بالاترین مرجع و رهبری سیاسی سازمان را تشکیل می دهد .
- شورای عالی تشکیل شده است از اعضای هیئت اجراییه ، هیئت تحریریه نشریه " جنبش سوسیالیستی " و مسئولین کمیسیونهای گوناگون .
- هیئت اجراییه سازمان سخنگو و نماینده رسمی سازمان در خارج می باشد .

- اعضاي هيئت اجرائيه ، هيئت تحريريه و مسئولين كميسيونها از سوي كنگره سازمان انتخاب مي گردند .
- كميسيونها ، ارگانهاي پايه اي و تغذيه كننده حيات سياسي و فكري سازمان مي باشند .

( در رابطه با مباني تشكيلات ، وظائف و حقوق اعضا ، كنگره ، شوراي عالي ، هيئت اجرائي بطور دقيق در اساسنامه سازمان و نظامنامه اشاره رفته است .)

## **ح - اصول و مباني فكري**

### **- ۱ -**

سوسياليسم آن ايده آل تاريخي بشريت براي آزادي و عدالت و رهائي از هرگونه استثمار اقتصادي ، سياسي و اجتماعي مي باشد كه در شكل مدرن و مدون آن در طول دويست سال از سوي بسياري از متفكران اجتماعي سياسي سوسياليسم در سراسر جهان تفسير ، تعبير و تكميل گرديده است .

سوسياليسم بدین لحاظ ، آن تئوري انسانگرايانه ، مساوات طلبانه و آزاديخواهانه مي باشد زیرا بهیچوجه تصویری ایستا و همگون از جهان ارائه نمی دهد و هرگونه جزمی را نفي و طرد مي نماید . چنین است كه سوسياليسم تنها از طريق روز افزون تر شدن پژوهشهاي علمي و رشد دامنه شناخت و آگاهي هاي بشريت مي تواند ژرفتر و گسترده تر گردد . اين جهان نگري مبناي سياست و عملکرد سازمان سوسياليستهاي ايران را تشكيل مي دهد .

## - ۲ -

شرط لازم براي تحقق واقعي اين ارزشها و بدین ترتیب تحقق سوسیالیسم ، تغییر وضع مالکیت در جهان سازمان سوسیالیست های ایران برای تحقق آزادی ، دموکراسی و عدالت اجتماعی مبارزه می کند . آن پیش کنونی بنفع اکثریت عظیم انسان ها و شرکت و سهم گردانیدن هر چه بیشتر آنان در ثروت اجتماعی می باشد .

## - ۳ -

مناسبات سرمایه داری صرفنظر از اشکال گوناگون آن ، از همان آغاز پیدایش خود ، نیروهای تولید را بطرز سرسام آوری انکشاف داد . هماهنگ با آن حقوق شهروندی ، مدنیت و تجدد نیز توانست در برخی از کشورهای جهان تکامل یابد . علی رغم این تحول تاریخی در زندگی انسانها نسبت به مناسبات پیش سرمایه داری ، اکثریت عظیم جامعه همچنان از نفوذ و کنترل بر آرایش تولید و مالکیت محروم ماندند . دست آورد های بزرگی که در طول بخصوص نیم قرن اخیر برای محدود کردن اختلافات طبقاتی و رفاه اجتماعی در کشورهای صنعتی غرب کسب گردیده اند ، نباید موجب آن شود که اختلافات فاحش بین فقر و ثروت در سایر سرزمینهای جهان از یکسو و تفاوت های دهشتناک آنها با ممالک صنعتی غرب از دیگر سو ، مسئله ای که امروزه به اختلافات شمال و جنوب معروف گردیده است ، به فراموشی سپرده شوند .

## - ۴ -

سوسیالیسم نخستین بار در اروپا به مثابه جنبش اعتراضی بر علیه ناهنجاریها و نابرابریهای دهشتناک در نظام نوپای سرمایه داری پدیدار شد . سوسیالیستها آن جامعه ای را مد نظر دارند که در آن افراد بمثابه انسانهای آزاد فعالیت مشترک می نمایند استثمار فرد از فرد بهر دلیلی از میان رفته است . هدف سوسیالیست ها بطور کلی قرار دادن انسان و بهروزی او در مرکز ثقل تمامی کوششهای اجتماعی ، سیاسی ، اقتصادی و فرهنگی می باشد .

## - ۵ -

تمامی آن کوشش هایی که در طول بیش از هفتاد سال اخیر برای از میان برداشتن نظام سرمایه داری از طریق تمرکز قدرت اقتصادی و سیاسی در دستان دولت صورت گرفته است ، به گواه تاریخ نابرابری و آزادی کشی را به مرزهای غیر قابل تحمل تری رسانیدند و سرانجام با شکست عظیمی روبرو گشتند .

تمرکز قدرت اقتصادی فقط در دستان دولت موجب پیدایش تمرکز قدرت سیاسی در دستان آن اقلیتی می شود که قدرت دولت را کنترل می کند . با دولتی کردن وسائل تولید خصوصی و ایجاد مالکیت دولتی بجای مالکیت خصوصی ، عملی سوسیالیستی انجام نگرفته است . این امر با ایده های سوسیالیسم مطابقت نداشته ، بلکه آن موقعیتی را بوجود می آورد که برحسب آن

دولت کلیه قدرت اجتماعی را بزیر سلطه خود می کشاند . نتیجه این تمرکز قدرت به هر عنوان و ایدئولوژی که ظهور کند ، چیزی جز دیکتاتوری و آزادی کشتی نیست

## - ۶ -

تولید باید به نفع همه انسانها دمکراتیزه شود . این بدان معناست که تولید کنندگان بتوانند بطور بلاواسطه در باره کار خود و نیز روند تولید تصمیم بگیرند . این ساختار اقتصاد با هرگونه تمرکز قدرت اقتصادی در دستان اقلیتی از انسانها و یا دستگاه دولتی در تضاد قرار دارد .

## - ۷ -

باجهانی شدن مراد سرمایه داری ، سوسیالیسم نیز بتدریج به یک ایده بین المللی تبدیل گردیده است . این ایده به این لحاظ بین المللی است زیرا که نه فقط خواستار رهائی و مساوات همه انسان ها در چهار چوب ملی است ، بلکه خواهان آزادی کلیهمردمان جهان از قید و بند هرگونه استثمار اقتصادی ، سیاسی ، فرهنگی و نژادی می باشد بنا بر این سوسیالیسم تنها به مثابه یک پدیده جهانی قابل درک و تحقق می باشد .

## - ۸ -

ایده مساوات اجتماعی در ایران از قدمت زیادی برخوردار است . جنبش های مساوات طلبانه بر علیه دولت های خودکامه و حاکمین جبار در طول تاریخ این سرزمین باستانی بارها ظهور کرده اند . سوسیالیسم و دمکراسی اما بمتابه ایده های تجدد خواهانه محصول جامعه ایران نیستند . آنچه که بنام سوسیالیسم برای اولین بار در اوائل قرن بیستم آنها در محدودترین اشکال خود به ایران رسوخ کرد ، کپی ای از سوسیالیسم روسی بود . این ایده افکار بخشی از روشنفکران ایرانی را تحت تاثیر خود قرار داد . ویژگی سوسیالیسم روسی این بود که با استمرار سنت دولت مستبد آسیائی بشکل تمرکز قدرت در دستان کمونیستها و حزب کمونیست آنها بنام دیکتاتوری طبقه کارگر می خواست به امر مساوات اجتماع پاسخ دهد . کپی برداری از الگوی سوسیالیسم روسی که خود فاقد هرگونه ایده دمکراسی می باشد از سوی روشنفکران ایرانی مهاجر و بعدها اکثریت روشنفکران ایرانی طرفدار مساوات اجتماعی ، پرده از نزدیکی ریشه های فرهنگی استبداد آسیائی و سنت غیر دمکراتیک در این دو سرزمین باستانی بر می دارد .

- ۹ -

با توسعه روابط و مناسبات سرمایه داری در ایران از طریق گشوده شدن در های جامعه سنتی ایران برای مر او ده با دنیای مدرن و صنعتی ، افکار روشنفکران ایرانی نسبت به پیش رفت های فلسفی ، علمی و اجتماعی در زمینه تئوری سوسیالیسم و دمکراسی بازتر گردید . متأسفانه بعد محدود شناخت و کمیت اندک حاملین این طرز تفکر در ایران مانع از اصلاحات وسیع در چهار چوب این ایده گردید

بهمان میزان که جامعه ایران در زمینه اقتصاد ، فرهنگ ، سیاست و حکومت ، بین تجدیدگرائی و سنت گرائی در سردرگمی بسر می برد ، به همان میزان هم روشنفکران مسوات طلب و سوسیالیست ایرانی در برزخ گرایش بسوی سنت ها و نو آوریها دست و پا می زدند . تاریخ نیم قرن اخیر ایران در زمینه سوسیالیسم نشانگر این واقعیت تلخ است که اکثریت بزرگی از عناصر هوادار این ایده در مهمترین لحظات تاریخی با گرایش کامل بسوی سنت های غیر دمکراتیک و ترك مواضع تجدد خواهانه و حمایت از عقب افتاده ترین اقشار اجتماعی در استمرار پایه های روابط استبدادی سهم بسزائی داشته اند . بدین ترتیب بدون يك تغییر اساسی در افکار و اندیشه های نیروهای منتسب به سوسیالیسم در ایران و دفاع با هرگونه تفکرات خود مرکز بینانه و ضد دمکراتیک و رشد يك جریان بغایت تجدد خواه و دمکرات ، سرنوشت این ایده در ایران جز شکست چیز دیگری نخواهد بود .

- ۱۰ -

سوسیالیسم در اصل خود با هرگونه خودکامگی چه در زمینه حکومت و چه در زمینه های زندگی اجتماعی در ستیز است . چرا که حرمت و شان انسان و آزادی او را پایمال می کند . از این رو ما تعدد آرا و عقاید و پلورالیسم سیاسی را محترم می شماریم و وجود اپوزیسیون و حق ائتلاف را ضروری می دانیم و معتقدیم که آزادی سیاسی پیش شرط غیر قابل انکار رهائی طبقاتی است . سوسیالیسم بدون آزادی میسر نیست . سوسیالیسم نمی تواند بدون دمکراسی متحقق شود و دمکراسی تنها در سوسیالیسم می تواند به کمال رسد .

- ۱۱ -

برای آنکه راه سوسیالیسم در ایران هموار شود ضروری است که نخست و برای همیشه ایران از چنگال استبداد ، خودکامگی و دیکتاتوری با هر رنگ و لعاب و هر ایدئولوژی و مکتبی که ظهور میکند ، رهایی یابد . به این هدف هنگامی می توان دست یافت هر آئینه که بتوان کلیه ساختارهای حکومتی و اقتصادی خودکامه را از میان برداشت . پایان



## آرم سازمان سوسیالیستهای ایران :

آرم سازمان سوسیالیستهای ایران تشکیل شده است از **نقشه** ایران مزین به **پرچم** سه رنگ ایران و **شعار " آزادی ، استقلال ، صلح "** .

